زمینه‌های روانشناختی حجاب از منظر قرآن

الهه هدایتی1 سید محمود حسینی2
1- طلبه سطح 3 حوزه علمیه ریحانة الرسول جویبار
2- استادیار دانشگاه علوم و معرف قرآن کریم سمت
ایمیل نویسنده مسئول: mirtaha1@yahoo.com

چکیده

یکی از فضایل اخلاقی بسیار مهم حجاب و پوشش است این مسئله یک امر فطری انسانی است و فقط اختصاص به زنان ندارد و شامل مردان نیز می‌شود، اما حجاب در زنان به دلیل ساختار جسمانی‌شان مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است. اسلام به عنوان دین کامل برای جلوگیری از تحریک بی‌جای غریزه جنسی و بروز انحرافات گوناگون تدابیری از جمله حجاب و پوشش را مطرح کرده است. حجاب در تمام تعالیم ادیان الهی توصیه و مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام در طراحی سیاست کلان جنسی موضع منطقی اتخاذ کرده و هم در پیشگیری از انحرافات و آفات جنسی تدابیر گسترده‌ای در جهت مهار غریزه جنسی اندیشیده و آن بحث حجاب است. مروری اجمالی بر وضعیت نابسامان جهان امروز ما را با انبوهی از سوالات مواجه می‌کند که‌می‌توان با مراجعه به آیات قرآن به دیدگاه‌های صحیحی از روانشناختی حجاب رهنمون شد در که در این مقاله سعی شده است به روش توصیفی و با مراجعه به کتاب‌های گوناگون در این زمینه به موضوعاتی از جمله آثار فردی و اجتماعی حجاب در زمینه‌های مختلف پرداخته شود، که با بهره‌گیری از آنان می‌توانیم به تحکیم بنیان خانواده و امنیت اخلاقی جامعه دست یابیم.

واژگان کلیدی: حجاب، دیدگاه روانشناختی، آثار فردی، آثار اجتماعی، تحکیم بنیان خانواده، امنیت اخلاق جامعه.

مقدمه

حجاب برای بقاء و سلامت حیات خانوادگی امری بسیار ضروری است و بهداشت روانی جامعه و سلامت افراد در گرو حجاب زنان است، مهم‌تر اینکه برای حفظ حجاب زن، پوشش یک ضرورت است.

در این مقاله به این سوال که: زمینه‌های روانشناختی حجاب از نظر قران چیست؟ پاسخ داده‌شده‌است و همچنین به سوالات دیگری از جمله حجاب و تأثیر آن بر روح و روان چگونه است؟ آثار فردی حجاب چیست؟ آثار اجتماعی حجاب چیست؟ پرداخته شده است. حجاب و پوشش از عوامل مهم سلامت افراد و آرامش در جامعه است. درآیات و روایات بسیاری رعایت به حجاب وپوشش تاکید شده است. هدف از این تحقیق آشنایی هر چه بیشتر با مبانی روانشناختی حجاب در آیات قرآن است. مقاله ای تحت عنوان علل پیدایش حجاب از دیدگاه های مختلف به نویسندگی حاذق و حمزه پور با موضوع مبانی اجتماعی و فرهنگی حجاب به آن پرداخته است. در این مقاله با موضوع زمینه های روانشناختی حجاب از منظر قرآن به موضوعاتی از جمله حجاب از نظر عقل و فطرت، حجاب در قرآن، حجاب و تاثیر آن بر روح و روان، آثار اجتماعی و فردی حجاب پرداخته شده است.

مفهوم لغوی واصطلاحی حجاب

- معنای لغوی

در قاموس قرآن آمده که حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنی پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب به معنی پرده نیز است .

در فرهنگ قرآن آمده که حجاب در لغت به معنای پرده، پوشش و حایل بین دو شیء است و مقصود از حجاب در این‌جا پوشاندن زن برطبق موازین شرع در برابر نامحرم است در این مدخل از تعبیرهایی مانند (یدنین علیهن من جلابیبهن)، (فسئلوهن من وراء حجاب)، (غیر متبرجات بزینه)، (و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها) و ... استفاده شده است.

در مفردات راغب آمده که حجاب، باز داشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی است و یعنی جوف و باطن و آنچه که از دل پوشیده و پنهان است.

- معنای اصطلاحی

1- حجاب، داشتن پوشش ظاهری مناسب و منطبق با دستورات دین است .

2- در زبان عربی حجاب به پرده‌ای که قلب را از سایر اعضای بدن جدا می‌کند گفته می‌شود. به نگهبان و دربان نیز به این دلیل که مانع داخل‌شدن افراد می‌شود «حاجب» گفته می‌شود. در کتاب التحقیق فی کلمات‌القرآن در توضیح معنای حجاب آمده است: (حجاب، حایل و جدا کننده و مانع تلاقی دو چیز یا اثر دو چیز است و آن دو چیز می‌تواند هر دو مادی یا هر دو معنوی یا یکی مادی و دیگری معنوی باشد و خود حاجب و مانع می‌تواند مادی یا معنوی باشد). کلمه‌ی حجاب در آیات مخصوص به همسران رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در روایات به همین معنای [حایل و مانع] بکار رفته است. در این تحقیق کلمه‌ی حجاب با معنای پوشش زن بر طبق موازین شرع در برابر نامحرم مورد توجه بوده است.

معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتّفاق نظر دارند[1].

حجاب امری فطری

پوشش زنان و مردان قبل از هر چیز برخواسته از فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آنهاست، زیرا از ابتدای خلقت بشر هر کدام از زن و مرد تلاش کردند تا به هر طور شده خود را بپوشانند بدون اینکه از قبل در این مورد آموزش دیده باشند، این مسئله نشان می‌دهد که در وجود انسان عامل بازدارنده و هدایت کننده‌ای به نام حیا وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرات و انحراف‌ها حفظ کند و راه درست را به او نشان دهد. در قرآن در داستان حضرت آدم و حوا آمده که بعد از چشیدن از آن درخت بهشتی که، از خوردنش نهی شده‌بودند از بهشت اخراج شدند خود را برهنه دیدند (پس چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان بر آنان آشکار گردید[2].

در آنجا شروع کردند با قرار دادن برگ‌های بهشتی بر خودشان تا پوشیده شوند، آدم و حوا قبل از این ماجرا برهنه نبودند، بلکه دارای نوعی از پوشش بهشتی بودند که بر اثر خطا، پوشش از تن آن‌ها فرو ریخت، سرعت پوشاندن آن‌ها با برگ‌های بهشتی نشان‌دهنده این است که پوشش برای مرد و زن یک امر فطری است و انسان برای پاسخگویی به ندای فطرت خود را به ناگزیر از پوشش می‌داند[3].

حجاب از نظر عقل

هر انسان عاقلی آنچه که برایش مایه کرامت و حفظ از انحرافات و بیهودگی‌ها است، آن را موجب استواری خود می‌دانند و آنچه باعث فساد و تباهی می‌شود آن را مذموم می‌داند. عقل مانند چراغ روشن است که زشتی‌ها و خوبی‌ها را نشان می‌دهد و عوامل خوشبختی و بدبختی انسان را مشخص می‌کند. حجاب از عوامل خوشبختی است و باعث سلامت و تکامل فرد و جامعه می‌شود و برهنگی و بدحجابی باعث انحطاط و پیامدهای شوم می‌گردد. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: خداوند به آدم (علیه‌السلام) وحی کرد، من تو را به انتخاب یکی از سه صفت: عقل، حیا، دین مخیر نمودم، یکی از آنها را انتخاب کن و دو صفت دیگر را رها کن. آدم عرض کرد: من عقل را برگزیدم. خدا توسط جبرئیل به حیا و دین فرمود: از عقل جدا شوید و او را به خودش واگذارید، آنها به جبرئیل گفتند: ما از سوی خدا فرمان داده شده ایم که از عقل جدا نشویم و هر جا عقل باشد ما همراه آن هستیم[4].

در نتیجه حیا صفت فطری است از عقل جدا نمی‌شود، اگر کسی خصلت حیا را رعایت نکرد در واقع خود را از عقل جدا کرده‌است.

---

[1] . ر.ک: علیمردی، 1389: 119
[2] . آیه 22 اعراف
[3] . اشتهادی ۱۳۷، ۶۹
[4] . کلینی ۱۴۱۴، ج ۱۰

جایگاه حجاب در قرآن

مسئلهٔ حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه 59 سورهٔ احزاب مطرح شده است و آنگاه با تفصیل بیشتری در سورهٔ نور آمده است:

« و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوسآلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است ــ آشکار ننمایند و (اطراف) روسریهای خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان همکیششان، یا بردگانشان [= کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

«ـ و زنان از کارافتادهای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم، خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.»

در شأن نزول آیهٔ 30 سورهٔ نور، «قُل لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ...»، کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر(ع) می‌فرماید:

«جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سَرِ خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بناگوش و گردن ایشان هویدا بود]. وقتی زن از کنار وی گذشت، جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می‌رفت، وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سَرِ خود نگاه می‌کرد، به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تکّه‌شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد، نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌رسم و او را از این مسئله خبردار می‌کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جویا شد و او جریان را به اطّلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل نازل شد و این آیه (30 نور) را آورد[5].

سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن‌مردویه از امام علی(ع) نقل کرده است[6]. از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اوّلین آیاتی که در تشریع حجاب و بیان محدودهٔ نظر نازل شده، همین آیات سورهٔ نور است.

تحلیل حجاب از دیدگاه روانشناسی

حجاب و هویّت یک مقوله جدانشدنی در دوران بلوغ و پس از آن هستند. حجاب یعنی حفظ حرمت و ارزش‌های وجودی خود وهویّت یعنی شناخت خود به عنوان یک موجود برتر که

[5] . کلینی، 1388، ج 5، ص 520
[6] . به نقل از: طباطبائی، 1370، ج15: 116

دارای اندیشه و تفکّر است و ماهیّت او این گونه است (یا پسر و یا دختر است) و باید برای آینده برنامه داشته باشد و دوست دارد در آینده مشکلات مهم زندگی دیگران را مرتفع نماید و البته خود در خوشبختی تمام باشد هنگامی که مسیر درست تربیّت برای زندگی نوجوان پی‌ریزی شد و او به شناخت کلّی از خود رسید در این زمان متوجّه می‌شود که حجاب نیز یکی از مولّفه‌های هویّت اوست. چنانکه حجاب را هویّت زن مسلمان و بی‌حجابی را هویّت سست دینان و بی‌دینان می‌شناسند. البته همانطور که گفته شد تنها در زمانی این تفکّر در اذهان روشن جوانان نقش خواهد بست که در دوران نوجوانی و جوانی از یک روش مناسب و علمی و تجربی کارآمد پرورش روحی و اخلاقی بی‌نصیب نباشند.

روانشناسی مسأله پوشش را با مطالعه انسان پیوند می‌زند و با توجّه به اینکه انسان به طور ساختاری موجودی است که نیازهای خاصّی دارد بنابراین نظریات روانشناسان در مورد حجاب وپوشش بسیار متفاوت و گاه متناقض است. البته باید پذیرفت که این علم هنگامی به شناسایی انسان پرداخت که زمان و دوران خداکشی و دین‌گشی بود.

در شناخت مسأله حجاب و پوشش در بین مرد وزن این نکات ضروری است :

زن : از نظر روانشناسی به دو دسته تقسیم می‌شوند :

1- عدّه ای که حجاب را مانعی برای نشان‌دادن خود و زیبایی‌های‌شان و یا تفاوت و تبعیض بین زن و مرد می‌دانند.

2- عدّه‌ای که حجاب را موجب امنیّت زن و مرد می‌دانند و آن را مانعی برای رسیدن به اهداف‌شان نمی‌بینند و البته آن را عامل تبعیض هم نمی‌دانند چون این دسته از افراد پایبندی‌هایی هر چند کوچک با اخلاق و مذهب دارند که خواه ناخواه این مسأله برای گروه نوجوان و جوان که در حین تکامل شخصیّتی هستند کاملاً روشن و آشکار است. نوجوان در سنی قرار دارد که کم کم به هویّت وجودی خود آشنا می‌شود و برای نیازهای روزمره خود به دنبال پاسخ صحیح است که در این حوزه والدین با همکاری روش‌های متناسب علمی آموزشی در مدارس بسیار مهم است و شخصیّت نوجوان را پخته می‌کند. نوجوان برای درك بهتر خود و آشنایی با محیط پیرامون خویش، نیازبه راهنمایی و آگاهی دارد. او همواره در حال رشد و نمو است و رشد جسمی اش بطور طبیعی، همراه با حالت‌ها و هیجان‌های روحی و عاطفی است.

در روانشناسی رنگها میخوانیم که رنگ سیاه نمایانگر مرز مطلق است. لذا کسی که رنگ سیاه میپوشد، میخواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این که این مرز برای چیست، در موقعیتهای مختلف ممکن، است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا میپوشند، برای آن که نشان دهند بین آنها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آنها را از هم جداکرده است و یا برای آن که نشان دهند که در حریم خانه و خانوادهی آنها حادثهای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانوادهها انجام میدهند، برای آنان میسر نیست.

اما گاهی هم سیاه میپوشند، نه برای عزا و ماتم بلکه برای مشخص کردن مرزها و حریمهای اجتماعی و حجاب یک خانم مسلمان با چادر سیاه از این دسته است.

وقتی که خانمی چادر مشکی به سر میکند و با وقار و متانت تمام قدم به عرصهی اجتماع میگذارد، با این نحوهی پوشش میخواهد نشان دهد که هرکسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و خصوصی وارد شود. این حریم، حریم حرمت، حیا و احترام است؛ نه جای

هرزگی، آلودگی و هوس بازی. در واقع او با حجاب مشکی و چادر سیاه، بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد میکند، او با این سیاهی ظاهری اما ریشه‌دار در درون خود میخواهد نگاه تیز و برندهی هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاکی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمت او را از بین ببرد. لذا چادر مشکی به منزلهی حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان میدهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم بادیدهی احترام و ادب نگریست.

از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچهی سیاهی را میبیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمیکند و خود به خود نظر را بر میگرداند . نگاه به رنگهای روشن چشم ار باز و رغبت مشاهده و تمرکز بردیدن را دوچندان میکند، به عبارت دیگر از دیدگاه روانشناسی رنگها، نگاه به رنگهای تیره، به ویژه رنگ سیاه که بی رنگی مطلق است، تقریبا تمام رغبتها را از بین میبرد.

روان‌شناسان امروز میگویند: «سیاه به معنای «نه» بوده و نقطهی مقابل «بله» یعنی سفید است» با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سیاه میپوشد، در واقع میخواهد به او «نه» بگوید و آن کسی که رنگ جذاب میپوشد، در واقع خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاههای هرزه و آلوده قرار میدهد و وسیلهی آلودگی و انحراف خود و جامعه را فراهم میکند.

در روانشناسی رنگها میخوانیم که «سفید به صفحهی خالی میماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد».

همنوایی آهنگ تکوین و تشریع

مدبّر آفرینش که خواهان تداوم نسل بشر است، خود، به قلم تدبیر و تکوین، جاذبههای عقلی، اجتماعی، فطری و زیستی – جنسی را در آدمیان و حتّی حیوانات و گیاهان به ودیعت نهاده تا در پرتو جذب و انجذاب درونی همیشگی شعله وجودشان را بر افروخته نگهدارند. خالق هستی برای بقای دیگر موجودات تنها همین جذب و انجذاب را کافی دانسته، ولی برای بقای نسل بشر مسؤولیت سپاری را نیز از نظر دور نداشته است؛ زیرا بشر چون جانوران و گیاهان نیست که نسل وی تنها با جاذبههای زیستی – جنسی و عشق ورزی آزاد پایدار ماند. نوزاد انسان پس از تولّد به تغذیه، نگهداری و پرورش درست نیازمند است و بدون مراقبتهای بهداشتی، زیستی و... فرصت حیات نمییابد. بر این اساس، معمار هستی که نهاد آدمی را آن گونه سرشت، بر گنبد تشریع این‌گونه نوشت که ازدواج محبوبترین بنیادها برای بنا نهادن کانون تولّد و مهد پرورش و رشد نوع انسان است ۱. تا هم جذب و انجذاب به محیط خانواده محدود گردد و هم نسلی سالم و متعادل پرورش یابد. چون جذب و انجذاب لجام گسیخته هرگز به بقای نسل تن نمیدهد و آن را مزاحم عشق ورزی خود میبینند؛ همانگونه که نسل ناسالم، پدر و مادری نمیشناسد تا آن نژاد را استمرار بخشد. 2ـ به این منظور، انتظار میرود معمار نظام تکوین و تشریع در راه نیل به خواست خود، به تدبیر و تشریع لازم دست یازد و اسباب رسیدن به آن هدف را تشریع فرماید.

«حجاب» در شمار این اسباب جای دارد. اینک در این نوشتار، با پرداختن به برخی آثار تربیتی و روان شناختی این دو پدیده، سودمندی و ضرر آفرینی هر یک را هویدا میسازیم تا هر کس خود آگاهانه تصمیم گیرد.

حجاب و تاثیر آن بر روح و روان

با وجود پیشرفت‌های سریع در زمینه حل مشکلات جسمی انسان ها،علم پزشکی هنوز گامی موثر در خصوص حل مشکلات روانی انسان‌ها برنداشته است، این در حالی است که مشکلات روانی علاوه بر زوال آرامش فرد، نقش موثری را در پدیداری بیماری‌های جسمانی نیز ایفا می‌کند؛ این تقویت حجاب با ایمان می‌تواند باعث کاهش مسائل و مشکلات روحی و افزایش آرامش باشد.

انسان به عنوان عضوی از جامعه، باید تابع ضوابط اجتماعی باشد تا وظیفه فردی خود را در برپا کردن آرامش و امنیت در جامعه انجام دهد.

یکی از فلسفه‌های حقیقی وجوب حجاب،حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن است زیرا نفس آدمی، دریایی مواج از تمایلات و خواسته‌های اوست که مهم‌ترین آن‌ها به خوراکی، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می‌شود و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان، تمایل به جنس زن است همانگونه که در سخنان عرفا آمده بزرگترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است.

حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان‌دهی خلقیات و ملکات نفسانی آدمیان موثر نمی‌باشد بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است.

آثار فردی حجاب

1- امنیت

اگر انسان‌ها در زندگی روزمرّه خود و در کوچه و خیابان، محل کار، تحصیل و حتی داخل منزل احساس امنیت نکنند و دائما در ترس و دلهره باشند، به تدریج دچار اضطراب می‌شوند. در این میان زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی شان، آسیب‌پذیری بیشتری دارند و طبعا نیاز بیشتری به امنیت دارند. زیرا در بین جوامع بشری همیشه مردانی وجود دارند که به جهت نداشتن تربیت صحیح انسانی، به دنبال فرصتی هستند تا زنان را مورد سوء استفاده‌های جنسی قرار دهند و یا حداقل مردانی که زمینه‌های انحرافی در آن‌ها وجوددارد، و به تعبیر قرآن «یعنی بیمار دل هستند[7]»، با دیدن کوچک‌ترین محرّک جنسی، عنان اختیار را از کف داده و نسبت به زنان بی‌حرمتی روا می‌دارند.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج 2، ص 196، آمده است: زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و نماز جماعت را با پیامبر میخواندند. هنگامی که ایشان برای خواندن نماز صبح و یا مغرب و عشا از خانه بیرون میرفتند، جوانها بر سر راهشان مینشستند و به تعرّض و آزار آنان میپرداختند. در این زمان آیه 59 سوره احزاب نازل گردید و بر پوشش زنان به عنوان حفاظ در مقابل آزار و اذیت دیگران تأکید کرد.

---

[7] . احزاب، آیه 32

2- شخصیّت زن

«شخصیّت، مجموعة افکار و عواطف و عادات و اخلاقیّات یک انسان است و خلاصه هر چه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیّت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیّت زن را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود، ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجّه کنند. علوّ شخصیّت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی‌حجاب در بُعد همسری و مادری، شکست خورده و در بُعد فعّالیّت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه‌ناخواه سقوط کرده است[8]».

اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عفیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود[9].

به طور کلّی، اشیائی که در همه جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به‌آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سویی، بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گرانبهای هستی و صاحب شخصیّت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف، بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیّت معرّفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند، در حقیقت، زن را فاقد شخصیّت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است.

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالأُنثَى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ[10]». در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیّت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیّت را برای همیشه بیمه کرد[11].

3- طهارت روح

انسان موجودی در بعدی است؛ بُعد اول: مادی و جسمانی اوست که توسط حواس پنج گانه ادراک میکند. و بُعد معنوی وی از طریق روح و عقل و دل ادراک می کند؛

اما در عین حال اگر بخواهد به طهارت روح برسد فقط از راه معنوی قابل رسیدن نیست؛ بلکه باید از امور مادی که توسط حواس پنج گانه ادراک می شود، نیز میتوان بدان دست یافت.

حال اگر انسان، بخواهد حجاب و پوشش را در جامعه در قالب صحیح آن، داشته باشد، قطعاً به سلامت روح دست پیدا می کند؛ چنانچه قرآن کریم نیز بدان تصریح نموده است و فرموده است که: «به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است[12].»

---

[8] . مصطفوی، 1369: 52ـ55
[9] . ر.ک؛ مطهّری، 1373: 59
[10] . النّحل / آیه 58
[11] . ر.ک؛ محمّدی آشنایی، 1370: 35
[12] . نور/ آیه 30

در آیه مذکور، اثر حفظ چشم و عفت دامن و حجاب را پاکیزگی میداند؛ این یعنی همان طهارت روح آدمی است که بوسیلهی حفظ نگاه و حجاب و پوشش بدست میآید.

4- استحکام خانواده

شک نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیّت رابطة زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حدّاکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سُستی رابطة زوجین و دلسردی آنان گردد، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفة پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسرِ مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالی‌که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود.

از آثار اوّلیّة رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به عنوان کوچکترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد.

بنابراین، زنان با حجابِ خود موجب تحکیم خانوادة شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجابِ خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند، امّا نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتّعات خارج از محدودة زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجّه می‌کنند[13].

5- سلامت جسمانی

حجاب، زمینة فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار ذیل توجّه نمایید. اگرچه از زمان انتشار آن مدّت‌ها گذشته است، ولی به‌خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالات متّحده به عمل آمده، روی‌هم‌رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عدّه‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر 360 هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متّحده، 650 بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، در حالی‌که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند[14].

سالانه 30 تا40 هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متّحده ناشی می‌شود، از مجموع کلّیّة امراض مختلف غیر از سِل، بیشتر است[15]. بنابراین، یکی از آثار مهمّ رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی

---

[13] . ر.ک؛ مطهّری، 1373: 89
[14] . ر.ک؛ همان: 45
[15] . همان

و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا(ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند[16]».

6- محافظت از عواطف انسانی زن

یکی از تفاوتهای آشکار بین زن و مرد تفاوت در میزان عواطف و احساسات است. خداوند متعال احساسات و عواطف زن را قویتر و متنوعتر از مرد قرار داده است. نقش این عواطف در زندگی انسان بسیار مهمّ و حیاتی است بهطوری که بدون وجود آن، ادامه زندگی ناممکن میشود. این نقش میتواند به دو جهت باشد: اول منبعی مهم و عاملی اصلی برای آرامش و سکون در زندگی زناشویی است[17]. و دوم مسئولیت مادری است که آفرینش بر عهده زن قرار داده است. این مسئولیت استعداد مادری زمانی می تواند فعلیّت پیدا کند که روح و روان زن سرشار از عاطفه باشد، تا با تربیت فرزندان، عواطف انسانی را به آنها منتقل کند؛ عواطفی که جامعه انسانی شدیداً به آن نیازمند است و تمام مصائب و مشکلات دنیای کنونی بشریت از کمبود آن نشأت می گیرد.

آنچه در اینجا توجّه به آن بسیار حائز همیّت است، این است که چگونه باید از این منبع بسیار با ارزش حفاظت کرد و در رشد و گسترش آن کوشید تا خرابی و فساد در آن راه نیابد و نسل بشری متضرّر نگردد؟ اسلام با واجب کردن حجاب، بهترین راه را برای حفظ و بقاء عواطف و احساسات با ارزش و انسانی زن تعیین کرده است. عواطفی که اگر در زن نابود شود نه تنها هسته روانی زن را تهدید می کند و او را دچار مشکلات روانی حادّ می کند، بلکه جامعه انسانی را نیز به نابودی می کشاند.

آثاراجتماعی حجاب

1. سلامتی روانی جامعه

حجاب باعث میشود که جوانان در جامعه از سلامتی نگاه و سلامتی جنسی برخوردار باشند؛ در مقابل اگر زن در جامعه از پوشش و حجاب درستی برخوردار نباشد، باعث آسیب-رسانی به دلها و نگاههای مریض میشود؛ چنانچه در قرآن کریم میفرماید: «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید[18]!

قرآن کریم به زنان پیامبر هشدار جدی میدهد که شما زنان معمولی نیستید، تقوای گفتاری در جامعه داشته باشید، چرا که عدم رعایت تقوای گفتاری شما آسیب جدی به جامعه وارد می کند و آن برانگیختهشدن طمع در دل بیماردلان است.

حال باید پرسید، اگر خداوند به زنان پیامبرش اینگونه هشدار میدهد، نسبت به زنان معمولی جامعه ما هشدار نخواهد داد؟!

---

[16] . ر.ک؛ محمّدی ری‌شهری، 1393، ج4: 467
[17] . روم / آیه 21
[18] . احزاب / آیه 32

حال باید دید، آیا در جامعه ما نیز اینگونه عمل میشود و زنان در بیرون از خانه و درون اجتماع آیا به وظیفه خطیر تقوای گفتاری عمل می کنند یا بسا اوقات، نازک صحبت کردن جزء اصول زبان بدن به شمار میآید؟!

گاهی در برخی ادارات یا مؤسسات میبینیم، خانم کارمند، با ارباب رجوع بگونهای نازک سخن میگوید که گویا اینگونه صحبت کردن جزء وظایف مهم خانم کارمند بوده است!

قرآن برای آنکه سلامت روانی جامعه را تأمین کند، هشدار عدم نازک سخن گفتن را بعنوان یک راهکار روانی مطرح می کند. و این نوع حجاب، حجاب و عفت کلامی نامیده می شود.

2. حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود که اوقات هر کس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طرّاحی برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کشاندن تمتّعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر رود.

از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مُدپرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد. اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقیّد نکند و با لباس ساده و مرتّب و در حدّ پوشش لازم در جامعه ظاهر شوند، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مُدپرستی، خودبه‌خود از بین می‌روند. هزینة سنگین موادّ آرایشی و لباس‌های گران‌قیمت، به‌ویژه با تغییر مداوم مُدها، بار مالی طاقت‌فرسایی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و به علاوه، باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود[19].

بنابراین، اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار، می‌خواهد محیط اجتماع از لذّت‌های ناهنجار جنسی پاک شود و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محلّ کار بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذّت‌های جنسی از محیط کار و کانون خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد[20].

3. مسئولیّت‌های اجتماعی

«هر فردی در برابر جامعة خود مسئول است. این مسئولیّت، عام است؛ یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها. پاره‌ای از مسئولیّت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار این گونه مسئولیّت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیّت و عظمت او بالا می‌رود، امّا اگر جامة مقدّس حجاب را از تن بدرد، از عهدة انجام این گونه مسئولیّت‌ها برنمی‌آید[21]».

---

[19] . ر.ک؛ عظیمیان و بهشتی، 1388: 98
[20] . ر.ک؛ مطهّری، 1367: 94
[21] . مصطفوی، 1369: 45

افراد در شبکه‌های متفاوت جامعه نقش ایفا می‌کنند؛ شبکه‌هایی نظیر شبکهٔ مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به نوعی مسیر حرکت آنان برای حفظ هنجارهایی مانند حجاب می‌باشد[22]. در جامعهٔ امروزی، اگر فرد در این شبکه‌ها مسئولیّت اجتماعی نپذیرد، هنجارهای که مربوط به آنها خواهد بود، از بین می‌رود و فرد به نوعی تنبلی و گاهی انحراف از هنجارهای متعارف جامعه دچار می‌شود و این انحراف در مسئولیّت‌های دیگر جامعه نمایان می‌شود و فرد را از هدف متعال خود دور می‌کند.

4. حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاصّ خود در قالب حجاب یا سِتر سعی دارند که استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند. در واقع، «لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن، تغییر در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت، استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، به‌ویژه از آن روی که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که اندیشهٔ وابستگی در درون رخنه کرده، در ظاهر افراد نیز متجلّی شده است[23]».

مبارزه برای استقلال فرهنگی، پدیدهٔ جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است؛ به عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی(ع) به این حربه متوسّل شده، گفت: «می‌ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید![24].

بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب بوده است؛ چراکه «حجاب برای جوامع جهان سومی می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سَرِ راه مقاصد شوم آنها باشد. زنان الجزیرای در مبارزات خود با قوای مهاجم فرانسه، این مسئله را به خوبی نشان دادند و ضربهٔ خود را به آنان وارد کردند. در واقع، آنان نشان دادند که مسلمانند و غلبهٔ کفر بر اسلام را نمی‌پذیرند[25]».

اگر حجاب را در جامعه اسلامی لااقل از همین دید بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید. در جامعه اسلامی، حتّی یک ملّی‌گرا هم باید به سبب استقلال وطن خود و حفظ امنیّت خویش حجاب را بپذیرد که البتّه یک مسلمان به سبب ایمان و اعتقاد خود آن را پذیراست. اگر استعمار بتواند عفّت و پوشش را از زن بگیرد، همه چیز جامعه، از جمله مردان آن را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار دهد. یکی از رموز موفّقیّت اسلامی ایران نیز در همین بود که زنان به سرعت خود را یافتند و با توسّل به حربهٔ حجاب در مقابل رژیم خودفروختهٔ پهلوی ایستادند و آن را به زانو درآوردند[26].

5. آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیهٔ مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفهٔ شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان باحجاب در

[22] . ر.ک؛ شکوری،1390: 6
[23] . قائمی، 1373: 385ـ387
[24] . غافر / آیه 26
[25] . عظیمیان و بهشتی، 1388: 97
[26] . همان

فعّالیّت‌ها و رفت‌وآمدهای خود آزادترند؛ زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند. بنابراین، کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند: «زنِ باحجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این روی، در خانه و خارج از آن مزاحم ندارد و آزادانه دنبال کارها و مسئولیّت‌های خویش است[27]».

قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره فرموده است؛ یکی اینکه می‌فرماید: « ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [= روسریهای بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده، توبه کنند)؛ خداوند همواره آمرزندهٔ رحیم است[28]».

اُمّ‌سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام، می‌گوید: «هنگامی که این آیه نازل شد، زنان انصار موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می‌پوشیدند که گویا روی سَرِ آنها کلاغ نشسته بود و چون کیسه‌ای سیاه به خود پوشانده بودند که سراپایشان گرفته بود[29]».

بنابراین، بی‌حجابی و بدحجابی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند، امّا هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. در آیهٔ دیگر خداوند می‌فرماید: « و در خانههای خود بمانید و همچون دوران جاهلیّت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط میخواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد[30]».

نتیجه

اثبات تقدس و جاذبه‌های حجاب در متون دینی سبب گسترش فرهنگ پوشش و حجاب در بین زن و مرد جامعه خواهد شد و سالم سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی مسئله حجاب باعث تقویت روحیه معنوی افراد می‌شود. نبود الگوهای مناسب برای حجاب سبب انتخاب الگوهای بدحجابی در جامعه می‌شود، با ارائه الگوهای معرفتی در باب ترویج حجاب از جمله آثار فردی مانند: امنیت، طهارت روح، سلامت جسم، تحکیم بنیان خانواده و آثار اجتماعی که شامل سلامت روانی جامعه، حفظ نیروی کار اقتصادی، آزادی زن و... می‌شود. بنابراین حجاب را باید رفتار الهی دانست که سبب ارتباط بین فرهنگ و دین، عقل وفطرت، سیاست و دیانت در رفتار انسان شده است.

منابع:

1- قرآن کریم، ترجمه محمدمهدی فولادوند

2- آمدی؛ عبدالواحد، (بی‌تا) غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، مؤسسه دارالکتاب قم.

3- ابن منظور الافریقی، جمال‌الدین، (1405ق) لسان‌العرب، قم: نشر ادب حوزه قم.

[27] . مطهّری، 1373: 100ـ101
[28] . احزاب / آیه 59
[29] . طباطبایی، 1370، ج 16: 517
[30] . احزاب / آیه 33

4- اشتهاردی؛ محمد محمدی، (1375)، حجاب بیانگر شخصیت زن، ناشر: انتشارات ناصر قم، چاپ اول.

5- اربلی، علی‌بن عیسی (1401ق)، کشف الغمه فی معرفة الائمة، تصحیح السید هاشم الرسولی المحلاتی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، الطبعه الاولی.

6- ترمذی؛ محمد بن عیسی(بی‌تا)، سنن الترمذی (الجامع‌الصحیح)، تحقیق، احمد محمد شاکر، بیروت داراحیاء التراث،

7- جوادی آملی، (1383) زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، دفتر نشر اسراء، چاپ نهم.

8- حکمت؛ علی اصغر، (بی‌تا) تاریخ ادیان، قم.

9- حویزی؛ علی بن جمعه، (1415)، نورالثقلین، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

10- دکتر صبور، آئین بهزیستی در اسلام

11- دیلمی؛ احمد و مسعود آذربایجانی، (1380)، اخلاق اسلامی، معاونت امور اساتید، دفتر نشر و پخش معارف چاپ سوم.

12- رازی؛ شیخ ابوالفتوح، (1369)، روض‌الجنان فی تفسیر القرآن، ترجمه نیشابوری، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

13- شریفی؛ احمدحسین، (1384)، آئین زندگی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.

14- صدوق؛ محمد بن علی بن حسین، (1368)، من لاحضره الفقیه، ترجمه علی‌اکبر غفاری، نشر صدوق، چاپ اول.

15- صفری؛ فاطمه (1374)، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان، ناشر: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم بهار.

16- طباطبایی؛ سید محدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، چاپ پنجم.

17- طبرسی؛ شیخ ابی علی فضل بن حسن، (1406ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.

18- طریحی؛ فخرالدین، (1415ق)، مجمع‌البحرین، قم: مؤسسه البعثة.

19- طیبی ناهید و مریم معین‌الاسلام، (1383)، مبانی روان‌شناختی خوشبختی با نگرش دینی، انتشارات بهشت بینش، چاپ دوم، پائیز.

20- عاملی؛ شیخ حر، (1403ق)، وسایل الشیعه، تهران، کتابفروشی اسلامیه.

21- فراهیدی؛ خلیل بن احمد، (1440ق)، العین، تصحیح استاد اسعد طیب، انتشارات اسوه، چاپ اول.

22- کلینی؛ محمد بن یعقوب، (1414ق)، اصول الکافی، بیروت، دارالاضواء.

23- کوهستانی، صادق، (1375)، زن زیباترین گل آفرینش، ناشر مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب‌الزمان(عج) ورامین، چاپ پنجم.